

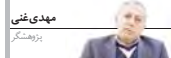
طرح نو

پادشاهان با یکدیگر
برویدند و کجیاری را شکل دادند

گزارشی از کوشش حسن
قدیانی در سوگواری برای
جنارهای خیابان و لیبر

نگاه روز

جامعه منتقد
و هراس از واژه «نمی‌دانم»



مهدی غنی
پژوهشگر

لازمه تفکر، خودباوری است. خودباوری به این معناست که انسانها قابل به این باشند که حق تشخیص دارند، حق آگاهی و دانستن. اما متأسفانه در جامعه ما این مسأله جانب‌فشاره است. این شاید به این دلیل باشد که عده‌ای عقیده دارند که مردم حق تشخیص و قدرت تشخیص سره از ناسره اندازند و از سوسوی دیگر خود افسرد نیز به این خودباوری برسیده‌اند که چنین حق و توانایی‌ای دارند. گاهی شاهد هستیم که افراد فکر کردن را به دیگری واگذار می‌کنند. در با افراد دیگر کز کرده‌ای بیرونی می‌کنند. در مرحله اول خودباوری بهترین سئ مسأله است. در مرحله دوم در زمینه رشد و گسترش تفکر و خوددوری در جامعه این است که افراد بتوانند بلند فکر کنند. متأسفانه جامعه ما به دلیل قرن‌ها حکومت استبدادی و وجود نوعی خفقان آموخته است که در خفا تفکر کند. یعنی هر کسی فکر می‌کرده اگر تفکرش را به زبان بیابرد یا به اصطلاح بلند فکر کند برایش دردسر ایجاد می‌شود. لذا افراد سعی کرده‌اند تفکرات خود را سانسور کنند و این برای مردم مایل به عادت شده است. زمانی که فکر باز نفوذ در جامعه مطرح نشود، در نتیجه تفکر هم صورت نمی‌گیرد و بقیه افراد هم نمی‌توانند در ساره آن اظهار نظر کنند. نهایتاً تفکرات شخصی نمی‌خورند و پالایش نمی‌شوند و این سبب می‌شود که ما شاهد نوعی مطلق‌گرایی باشیم. چون افراد به تنهایی می‌اندیشند و بدون طرح آن با دیگران در درون خود به بقیه می‌رسند. سبب سواره ذکر شده به این نتیجه می‌رسیم که نقد و انتقاد باعث گسترش و رشتندگی تفکر می‌شود. هیچ کسی نمی‌تواند ادعا کند که تمام افکارش مطلقاً درست هستند. موضوع مهم اما این است که ما برای این که بدانیام کدامیک از تفکراتمان درست است و کدامیک را به تفکرمان وارد است باید آنها را با دیگران در میان بگذاریم و با نقد و انتقاد آنها به نقاط قوت و ضعف خود پی ببریم. لازمه این کار این است که بلند فکر کنیم. تفکر و خوددوری باعث می‌شود که اندیشمندان افراط نمانند. این زمینه ما با دو مسأله رویرو هستیم: مسأله اول این است که اندیشه‌های جدیدی از جایی دیگری بیایند و دوم این که ما افکار تازه‌ای تولید کنیم. در گذشته چهار چنین مسأله‌ای بوده‌ایم که سبب ساختن افکار خود فرورفته بودیم یا فکر جدیدی از جایی دیگری می‌آمد به نوعی دنباله‌وار می‌شدیم یا در دست ما می‌انداختند. این عمل درستی نیست چون هر عمل یا تفکر جدیدی که از جایی می‌آید از ما درست نیست، البته ما باید در حوزه و برساختها به حدی برسیم که بتوانیم تولید فکر کنیم. به‌علاوه این‌ها هم باید در نظر گرفت که فرض گرفتن از فرهنگها، تفکرات و اندیشه دیگر افراد، اشتکالی ندارد حتی ما در قرآن کریم هم داریم که فرموده است: «مشاورت با مردم به کسانی که حرف‌های مختلف می‌شنوند و بهترینشان را انتخاب می‌کنند» پس باید آنها را دیگران را شنیدند تا بتوان از میان آنها بهترین را انتخاب کرد. مسأله مهم از بابی در دست ما داشته باشیم چون بیرونی کورگورانه از یک اندیشمندی هیچ تحولی را ایجاد نمی‌کند.



روایت رئیس انجمن روانپزشکان ایران از مفهوم و مصادیق خشونت در کشور

نامهربان شده‌ایم

رواج خشونت در جامعه بیشتر از بیمارستان‌های روانی است

لیدر

حسن‌کارگر، روزنامه‌نگار



ما جمع‌بندی موارد ذکر شده می‌توان گفت که برای رشد و گسترش تفکر و خوددوری باید افراد به خودباوری برسند و فضای مناسبی برای نقد و انتقاد افکار وجود داشته باشد. همچنین نسبت به کارهایی که انجام می‌دهند آگاهی داشته باشند و در تمام زمینه‌ها مسئولیت‌پذیر باشند. در جامعه‌ای که تفکر و خوددوری گسترده است تولید علم نیز در آن جامعه در سطح بالایی به چشم می‌خورد. در حقیقت تفکر و تولید علم، لازمه و ملزوم یکدیگر هستند.

تعریف جامعه ایران از خشونت چیست؟ آیا ایرانیان شناخت درستی از واژه خشونت دارند یا خیر؟
تعریفی که جامعه ایرانی از خشونت دارد با معنای تعریف واقعی است. این که تعریف را می‌دانند اما آن را نادیده می‌گیرند. اصولاً خشونت به معنای هر نوع عمل خشن است که باعث خشونت در دیگران را زیر پا می‌گذارد یا به نحوی باعث آزار و اذیت دیگران می‌شود و به حق آنها تجاوز کند. گویا این مفهوم در ذهن بسیاری از مردم ایران درست جا نیفتاده است. نمونه این مسأله در رانندگی ظهور و بروز دارد. رانندگان ما هنگام رانندگی یا در حال عوض کردن خط خود هستند (که باعث آزار رانندگان دیگر می‌شود) و طبق تعریف معنای آن خشونت است. یا در فکر افراد هستند که خودرو جلوبوی سبقت بگیرند که گاهی منجر به تصادفات و خشونت می‌شود. متأسفانه برخی یا به خشونت عادت کرده‌اند یا قبح آن برایشان از بین رفته است. شاید هم دیگری از خشونت دارند یا تعریف را می‌دانند اما قبح کاری که انجام می‌دهند

صلح نوشت

مسئولیت‌پذیری برای صلح

اسیری احمدی | شاعر و نویسنده

معنای لغوی صلح، سازش کردن و توافق داشتن است و در تعریف ظاهری صلح را نبود جنگ تلقی می‌کنند اما صلح تنها نبود حمله جنگی نیست بلکه معنا و مفهوم گسترده‌تری دارد که شامل امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، داشتن محیط‌زیست سالم و... می‌شود. با این که همه جامعه بشری در پی صلح است و همه آدم‌ها در پی دنیای مملو از صلح می‌دوند اما متأسفانه ما هر روزه در جای‌جای این گروه‌ها شاهد خشونت و جنگ هستیم که چهره دنیای ما را زشت و ناپسند کرده است. شاید این مسائل از این نقطه نشأت گرفته باشد که کرامت انسانی دچار مشکل شده است. زمانی که حقوق شهروندی آدم‌ها تهدید می‌شود یا حقوق بشر نادیده گرفته می‌شود در حقیقت حوزه امنیت آدم‌ها به خطر می‌افتد. البته گاهی کارکنان و طغیان‌های صورت می‌گیرند که چارهای جز قتل و استفاده از زور نداریم و این در صورتی پیش می‌آید که کسی بخواهد صلح را نقض کند. یعنی سرکشی‌های انجام بگیرد که به حقوق و امنیت اجتماعی و روانی افراد آسیب برسد.

متأسفانه از آن‌جاکه آدمی بسیاری از خصایل و کرامات انسانی خود را از دست داده و مایات به دست آوردن دستورالعمل‌های اجتماعی و اقتصادی برای آدم‌ها اهمیت پیدا کرده است، خودخواهی در جامعه انسانی ریشه دوانده و آدم‌ها فراموش کرده‌اند که انسان‌های دیگر نیز در حقوق و امکانات آنها سهم هستند. در واقع جزو حقوق صلح همه جوامع بشری است. انسان‌هایی هستند که خودخواهی در آنها متبلور شده و دوست دارند در دست گرفتن قدرت به استعمار افراد دیگر بپردازند. یکی از ابعاد نقض صلح، خودخواهی بشر و عدم توجه افراد به همنوعان خود است. حقیقت تلخی که باید آن را باز کرد این است که مهر و عشق آدمی فراموش شده است. اتفاقاتی که در سده‌های اخیر روی داده‌اند سرعت بالایی داشته‌اند، اینها رویدادهای مهمی بودند که با پیشرفت تکنولوژی رخ دادند یعنی متأسفانه به جای این که این تکنولوژی در خدمت بشر باشد، یکی به بشر استفاده شده است. شاید یکی از ابعاد این موضوع این باشد که هنوز به‌طور عام تمام جوامع بشری و به‌خصوص جامعه خودمان ظرفیت پذیرش تکنولوژی را نداشته‌اند. یکی از کارکردهای اشتباه تکنولوژی این است که چون سریع اتفاق می‌افتد و با سرعت پیش می‌رود افراد را به هم می‌برد، البته باید گفت که چون پیشرفت تکنولوژی در قشر محدودی اتفاق می‌افتد و عامه جامعه از آن خبر هستند کسانی که به این تکنولوژی مجهز می‌شوند متأسفانه از آن در مسیر منافع خود سواستفاده می‌کنند. از این‌جا می‌توان نتیجه گرفت که یکی از راه‌های رسیدن به صلح احساس مسئولیت و مسؤلیت‌پذیری است. هر فرد در هر جامعه و از هر طبقه‌ای که باشد یا احساس مسئولیت دارد که به کارهای خود توجه داشته باشد. به سبب کمتری به دیگران وارد شود. احساس مسئولیت در لایه‌های خود عاطفه و عشق و نوع دوستی آن دارد. یکی از لایه‌های که بر بشر امروز به آن گرفتار شده این است که از بار مسئولیت فرار می‌کند و همیشه در جواب تلبی‌هایش می‌گوید: «دیگران باید این کار را انجام می‌دادند و همیشه از زریبار مسئولیت شانه خالی می‌کند. آدمی حتی در خانواده نیز در قبال اعضای خانواده‌اش مسئول است و باید احساس مسئولیت کند. زمانی که فردی لباس می‌پوشد تا به محل کارش برسد باید از همان لحظه نسبت به کارش احساس مسئولیت کند. اگر تمام جامعه احساس مسئولیت کند، اگر تمام ما در کنار آن می‌تواند به داشتن دنیای برتر صلح امیدوار بود. وقتی ما احساس مسئولیت داریم در حقیقت به آدم‌ها اهمیت می‌دهیم، آنها را دوست داریم و در صدد آن هستیم که به آنها آسیب نرسانیم.



حسن‌کارگر، روزنامه‌نگار

بیشتری دارد. علت چیست؟
اصولاً خشونت یکی از خصیصه‌های بشر است. به‌نظر من خشونت در قرون گذشته رایج‌تر و بیشتر بوده است اما آنچه امروزه خشونت را بیشتر به رخ می‌کشد، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی هستند. زمانی که موعول به ایران حمله کردند و آن حمله‌ها بر سر جمعی ما را وجود آورد، شاید سال‌ها طول می‌کشید در یک کشور اروپایی یا در کشوری در غرب خاورمیانه فعلی کسی مطلع شود که چنین اتفاقی روی داده است. و امروز در یک نقطه دنیا یک اتفاق ناگوار و خشونت‌آمیز افرادی صورت می‌گیرد، کسی در نقطه‌ای از کره خاکی بمب‌گذاری می‌کند یا فردی با سلاح به مرشدی حمله می‌کند و چند لحظه بعد در دورترین نقطه دنیا آدم‌ها دارند، درباره آن صحبت می‌کنند و در حال تحلیل آن هستند و مباحث برخی عقلا در فکر این هستند که چه باید باشد تا در آینده شاهد چنین خشونت‌هایی در جامعه خود نباشیم.

برایشان از بین رفته است.
آیا می‌توان خشونت را پدیدهای فرهنگی دانست؟
خشونت به اشکال مختلف در جامعه دیده می‌شود. ممکن است خشونت از طرف افراد نیست به یکدیگر باشد، ممکن است کل افراد جامعه تحت نوعی خشونت قرار گرفته باشند؛ چیزی که تحت عنوان تحریم‌ها سال‌هاست به مردم ما تحمیل شده بدون آن که به دلایل آن کاری داشته باشیم. به‌هر حال خشونتی است که بر ما بر اقبال می‌رسد خشونت در عصر حاضر نمود

ادامه در صفحه ۱۰